صحبتهای تکان‌دهنده‌دوزن در همایش حقوق زنان وکودکان در خوزستان

منبع: زنان ایران

در حاشیه همایش حقوق زنان و کودکان که شنبه گذشته در شهر اهواز برگزار شد، دو زن جوان از زندگی خود برای حاضرین که بسیاری از آنها از مسئولان استانی و کشوری بودند گفتند. هنگام صحبت آنها، صحنه کاملا تاریک شده بود و طوری صورت و اندام آنها را پوشانده بودند که شناسایی نشوند. هر دوی این زنان ممکن است در صورت شناسایی توسط بستگان خود کشته شوند. آنچه می خوانید، بخشی از حرفهای این دو زن خوزستانی است که توسط دفتر امور بانوان استانداری خوزستان پیاده و تنظیم و ویرایش شده و متاسفانه لحن اصلی آن تا حدودی از دست رفته است.

با او ازدواج‌کن وبعد خودت را بکش!

من لیلا هستم. ۲۵ ساله. پدرم دارای دو همسر بود و از مادر من چهار فرزند داشت که من بچه بزرگ هستم. پدرم کشاورز بود و حدود یک سال و نیم پیش فوت شد.

من سه سال پیش با دوستانم زیاد بیرون می‌رفتم و خانواده‌ام بسیار ناراضی بودند. در آن موقع پدرم سکته ناقص کرده بود و با مادرم تصمیم گرفتند برای جلوگیری از کارهای من مرا به خانه عمویم که سه پسر مجرد داشت بفرستند. ۶ ماه آنجا بودم که یک شب پسرعموی بزرگم که متاهل است گفت: تو باید با برادر کوچکم سعید ازدواج کنی. گفتم: من او را دوست ندارم و خودم را می‌کشم. گفت: یا او ازدواج کن و بعد خودت را بکش. تا اینکه در نیمه‌های یک شب که در خواب بودم با شنیدن صدای قفل در از خواب بیدار شدم و دیدم زن عمویم و بچه‌هایش از اتاق بیرون رفته‌اند. به سعید گفتم: چه خبر شده که به پشت سرم زد و من بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم دستها و دهانم را بسته و در حال تجاوز به من است. دو روز بعد بدون اینکه مرا عقد کنند برایم جشن عروسی گرفتند.

دو ماه به همین ترتیب گذشت و من باردار شدم بدون اینکه عقد کرده باشم. تا اینکه یک روز بعد از ظهر ساعت ۴ با پرداشتن ۱۰۰ هزار تومان از سعید از خانه فرار کردم و قصد داشتم به منزل خودمان بروم که مادرم را ببینم و بعد به آبادان بروم. اما پسر عمویم مرا دید و من با ماشین دربستی رفتم ترمینال آبادان. یک شب در آبادان بودم و فردای آن روز به شهرستان شیراز رفتم و در راه شیراز با پسری به نام حمید آشنا شدم. او دانشجو بود. مرا به منزل خاله‌اش برد و گفت که من نامزد او هستم. برایم شناسنامه جعلی درست کرد و اسم خودش را در شناسنامه من زد و پس از مدتی مرا به قم نزد خانواده‌اش برد و گفت من زن او هستم و عراقی می‌باشم.

۷ ماه نزد او بودم تا فرزندم سعید به دنیا آمد. پس از دو ماه خانواده عمویم رد پای مرا پیدا کردند و با پلیس ۱۱۰ به منزل ما ریختند و ما را گرفتند و من با بچه‌ام مدت یک سال و چهار ماه در زندان بودیم سپس مرا به یکی از مراکز دولتی و بچه‌ام را به یک مرکز دیگر فرستادند.

به گزارش خبرنگار سایت زنان ایران، دادگاه هم اکنون حکم داده که فرزند ۱/۵ ساله لیلا باید به پدرش تحویل داده شود. وی از ترس کشته‌شدن نمی‌تواند از مرکزی که در آنجا زندگی می‌کند بیرون بیاید.

بروخودت را بفروش وبرای من پول بیاور!

من آمنه هستم. ۱۵ ساله. شغل پدرم کارگری است و سه برادر کوچکتر از خودم دارم. یک روز من مدرسه بودم و پدرم سر کار بود. دایی و شوهر خاله‌ام به منزل ما آمده بودند و مادرم را به جرم رابطه با مردی کشتند. من که آمدم جسد مادرم را دیدم. چون دایی و شوهر خاله‌ام فرار کردند پدرم را یک سال زندانی کردند.

در این مدت ما پیش عمه‌ام بودیم تا پدرم آزاد شد و ما را نزد خود برد و مدام به من می‌گفت برو خودت را بفروش و برای من پول بیاور. تا اینکه دو سال و نیم پیش یک شب که پدرم مرا خیلی کتک زده بود، ساعت ۳ بعد از نیمه شب فرار کردم و به آبادان رفتم. به منزل زنی که از قبل دوست مادرم بود.

بعد از سه هفته آن زن هر روز برای من مرد می‌آورد و از آنها پول می‌گرفت و من هم به خاطر جا، لباس و غذا ناچار بودم چیزی نگویم. بعد از یک سال و هفت ماه خسته شدم. با آن زن دعواکردم و از منزلش بیرون آمدم. در خیابان با پسری آشنا شدم و برای او داستان زندگی خود را گفتم. در همان وقت پلیس ۱۱۰ را گرفت و به دادگاه برد. ۲۰ ضربه شلاق به من و ۵۰ ضربه شلاق به آن پسر زدند و مرا تحویل یک مرکز دولتی دادند.

چند سئوال از خاتمی و یک پیشنهاد

خاتمی رئیس جمهور بعد از یک هفته در باره خیزش دانشجویان، مردم کشورمان، ضمن حمله به آمریکا در مورد دخالت‌هایش در امور داخلی ایران افزود: «اگر توان مخالفان جمهوری اسلامی ایران است که مثلا هزار نفر را با سوء استفاده از حرکت دانشجویان به خیابان‌ها بکشانند، ما افتخار می‌کنیم که خیلی قدرتمند هستیم».

وی در این مصاحبه از گفتگوی تلفنی خویش با پوتین رئیس جمهور روسیه پرده برداشت و جوابی را که به پوتین در قبال سئوال وی راجع به وضع کشور بود، مجددا به شرح زیر نقل کرد: «به وی گفتم هم این که محکم و آرام با شما سخن می‌گویم دلیل آن است که در ایران خبری نیست».

آقای خاتمی واقعا هزار نفر به خیابان‌ها آمده بودند؟ در تهران، شیراز، اصفهان، قم، مشهد، یزد، تبریز، کرمانشاه، فقط هزار نفر مجموعا در خیابان بودند؟

اگر چنین بود بنابراین چه لزومی به بسیج آن‌همه نیروی انتظامی و چماقداران انصار حزب‌الله بود. شما نمی‌توانستید فریاد چند ده نفر را در هرکدام از شهرهای کشور تحمل کنید و این همه زحمت به خود ندهید؟

یک هفته فریاد دانشجویان و مردم علیه حکومت شما را «خیر ندانیم» «لابد باید مسابقه قرائت قرآن» را خیر بدانیم؟

و اما سئوال و پیشنهاد اساسی:

آقای خاتمی اگر، نیروی انتظامی تحت فرمان رهبر، اعم از بسیجی، پاسداران و لرائل و اوباش سازماندهی شده به نام انصار حزب‌الله را از خیابان‌ها جمع کنید و اعلام نمایید که تظاهرکنندگان علیه شما و حکومت شما، مورد ضرب و شتم و دستگیری و شکنجه و کشتار قرار نخواهند گرفت و برای تضمین این حرفتان یک هیات معتبر بین‌المللی را نیز برای نظارت به ایران دعوت کنند. آیا فکر نمی‌کنید که در آن روز در خانه‌ها، فقط آن‌هائی خواهند ماندکه دستشان طی ۲۵ سال به جنایات رژیم آلوده گشته است؟

آیا در آن صورت باز شما خواهید توانست با همکار روسی‌تان آرام و محکم صحبت کنید؟

آیا این آرامش را به شما جز نیروهای سرکوب رژیم و بویژه قداربندان انصار حزب‌الله نداده بود و شما به خوبی از دمنشی آن‌ها واقف بودید و در مقابل از عدم سازماندهی و بی‌دفاع بودن دانشجویان و مردم اطلاع دقیق داشتید؟

اگر به خود اطمینان دارید این گوی واین میدان. پیشنهاد ما را بپذیرید.

نکته آخر: قدرت هیچ دیکتاتوری در جهان ولو، قویترین آن‌ها در برابر مردم ابدی نبوده است و حکومت شما نیز از این قاعده مستثنی نیست.

ماشاءالله سلیمی

خاتمی: در ایران خبری نیست

سرانجام محمد خاتمی بعد از یک هفته سکوت در مورد حوادث کشور، در این مورد صحبت کرد. خاتمی، در حاشیه امضای سند همکاری سه جانبه ایران، تاجیکستان و افغانستان در جمع خبرنگاران در مورد تظاهرات دانشجویان گفت: اگر ما دموکراسی و مردم‌سالاری را پذیرفته‌ایم، این اعتراضات را نیز باید قبول کنیم. آنچه که رژیم‌ها و جراحم مردم‌سالار را از غیرمردم‌سالار جدا می‌کند؛ همین اعتراضات است که با ساز و کارهایی دموکراتیک صورت می‌گیرد.

خاتمی با تاکید بر اینکه برخورد با این اعتراضات باید قانونی باشد، اظهار داشت: ما حق اعتراض را به رسمیت می‌شناسیم و بنا نداریم با مخالفین خود با قهر و خشونت برخورد کنیم. وی در خصوص هیاهوی رسانه‌های خارجی در باره وقایع اخیر کشور گفت: در ایران خبری نیست. آنچه در ایران اتفاق افتاده، همگی در کمتر از آن چیزی است که هر روزه در آمریکا رخ می‌دهد. چرا زمانی که پلیس آمریکا با مردمش رفتار خشونت‌آمیز می‌کند این رسانه‌ها آن را عین دموکراسی می‌دانند؛ اما در ایران به گونه دیگر آن را تفسیر می‌کنند.

خاتمی ادامه داد: رسانه‌های خارجی در خصوص اعتراضات و تقاضاهای صنفی بزرگ‌نمایی می‌کنند. وی تاکید کرد: به هیچ بیگانه‌ای اجازه دخالت در سرنوشت خود را نمی‌دهیم اگر توان مخالفان جمع‌کردن تنها حدود هزار نفر است، این تعداد اندک نشان می‌دهد که کشور ما تا چه حد قدرتمند است.

به دنبال تجمع در برابر مجلس، از سوی نمایندگان دانشجویان اعلام شد

چهار شرط چهل و هشت ساعت مهلت

آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان، توقف احضارها و ربودن‌ها، اعلام موضع رسمی مجلس در تقبیح بازداشت‌ها و برگزاری مراسم ۱۸ تیر شروط چهارگانه دانشجویان است

به گزارش منابع خبری دانشجویان شورای تهران از ساعت ۸ صبح در مقابل مجلس تجمع کردند. از هر دانشکده دانشگاه تهران چند نفر به نمایندگی از دانشجویان در این تجمع حضور یافتند. بر پایه آخرین گزارش‌ها، به دنبال ملاقات‌ها با اعضای هیات رئیسه مجلس و رایزنی‌هایی که در جریان این تجمع صورت گرفت، نمایندگان دانشجویان ۴ خواسته خود را اعلام کرده و برای بر آورده‌شدن آن‌ها ۴۸ ساعت مهلت دادند. این چهار شرط به صورت زیر اعلام شد:

۱ - آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان دستگیرشده اعضای انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت

۲ - توقف روند کنونی احضار و ربودن دانشجویان

۳ - اعلام موضع رسمی رئیس و نمایندگان مجلس در تقبیح بازداشت‌های وحشیانه اخیر

۴ - انجام هماهنگی‌های لازم جهت برگزاری مراسم ۱۸ تیر از سوی دفتر تحکیم وحدت

این گزارش می‌افزاید پس از پذیرش موارد فوق از سوی هیات رئیسه کمیته‌ای برای پیگیری آن تشکیل شد. در پایان متحصنین اعلام کردند در صورت عدم بر آورده شدن خواسته‌های آنان تا ۴۸ ساعت آینده به مراجع دیگری برای بیان خواسته‌های خود مراجعه‌خواهند نمود.

در همین حال یک عضو شورای تهران دفتر تحکیم وحدت اعلام کرد اگر تا دو روز آینده دانشجویان بازداشتی در حوادث اخیر آزاد نشوند. اعضای شورای تهران دفتر تحکیم در مقابل دفتر سازمان ملل متحد، تحصن خواهند کرد.

حجت شریفی یکی از اعضای شورای تهران دفتر تحکیم وحدت در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، عنوان کرد: بعد از دیداری که با جناب آقای کروبی و هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی داشتیم، ایشان قول پیگیری و آزادی دانشجویان را دادند و در صورتی که تا دو روز آینده دانشجویان آزاد نشوند با توافق جمعی برای پیگیری این امر در مقابل دفتر سازمان ملل متحد تحصن خواهیم کرد.

حقیقت‌جو:

حمله به خوابگاه علامه یادآور حادثه تلخ و ننگین ۱۸ تیر است

نماینده تهران در مجلس گفت: حدود ساعت ۲/۳۰ بامداد روز شنبه ۸۲/۳/۲۴ خوابگاه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی واقع در کوی نصر مورد حمله بیرحمانه و وحشیانه عده کثیری از لباس شخصی‌ها و خوارج قرار گرفت که یادآور حادثه تلخ و ننگین کوی دانشگاه تهران در سال ۷۸ است.

در بازدید تعدادی از همکاران محترم به همراه ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی شاهد حجم تخریب‌ها و خشونت اعمال شده بودیم. بیش از ۹۰ درصد درب‌های خوابگاه با کلنگ، میله‌های آهنی و چوبی تخریب شد. قفسه کتاب‌ها، تلفن‌ها، میز و لوازم شخصی دانشجویان تخریب و در بعضی موارد پول و اشیاء قیمتی دانشجویان به یغما برده شد. در جای جای دیوارها، کف راهروها، پیله‌ها، پشت بام، زمین ورزش و محوطه خوابگاه آثار خون‌های ریخته شده مشهود بود.

در حین گفتگو با دانشجویان مظلوم مضروب شاهد چشم‌های ورم کرده و خونبار، سرهای متورم و شکسته، سر و دست‌های شکسته بودیم و از همه تلختر اینکه حتی نابینایان از حمله مغول‌وار این قوم مزدور و قداره‌بند در امان نماندند. دانشجویان نقل می‌کردند آنان با شعارهای «یا زهرا» و «یا حسین» حمله می‌کردند و مرتب تکرار می‌کردند به موقعیت کربلا باز گردید و وقتی دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند خواستار ذکر صلوات برای قامت رعنای رهبر می‌شدند و سپس با فحش‌های زشت غیر قابل ذکر دانشجویان را مورد تحقیر قرار می‌دادند.

چه کسی باید پاسخگوی عوارض روحی و جسمی وارده به این دانشجویان باشد؟ لباس شخصی‌هایی که همواره در پناه ارباب قدرت در سال‌های گذشته بیشترین خشونت را علیه آحاد ملت در کوچه و بازار اعمال نمودند. آن وقت که در سینما به یک زن باردار حمله کردند و در کوچه و خیابان‌ها زنان را مورد تعرض قرار دادند و کتابفروشیها را آتش زدند و به دفاتر روزنامه‌ها حمله کردند و ...همه سکوت اختیار کردند و به اصطلاح مدعی‌العموم کمترین واکنشی از خود نشان نداد و آن وقت که ماجرای فجیع کوی دانشگاه فقط به یک ریش‌تراش ختم شد و فرمانده عملیات تیرنه شد در حالی که احمد باطبی صرفا به دلیل نمایش یک پیراهن خونین به اقدام علیه امنیت ملی محکوم به اعدام شد سپس بعد از مذاکرات مکرر به حبس بالای ده سال تقلیل پیدا نمود و در حال حاضر که واقعه‌ای مشابه واقعه کوی رخ داده است دانشجویان زندانی کوی هنوز بعد از گذشت ۴ سال در زندان به سر می‌برند.

وی با طرح این سئوال که آیا قوه قضائیه که عملکرد متناقض‌اش آشکار و هویداست به دلیل عدم رسیدگی عدالت‌طلبانه به موضوعات گذشته مسئولیت تکرار این فاجعه را به عهده می‌گیرد و عذر خویش را به درگاه ملت می‌برد؟ وی در خاتمه از هیات رئیسه مجلس خواست تا مجلس یک جلسه غیر علنی، با حضور مسئولین مربوطه جهت بررسی وقایع اخیر،برگزار کند.

ملاحسنی: قضات خانمهایی را که دامن بالای زانو می‌پوشند در خیابان شلاق بزنند

اظهارات جدید حسنی، امام جمعه ارومیه: اگر به آن خانم‌هایی که مانتوی بالای زانو می‌پوشند ۱۵ ضربه شلاق در خیابان بزنند دیگر نه از این مانتوها خبری خواهد بود و نه از آن پسران هیپی که خود را شکل زنها در می‌آورند.

حسنی امام جمعه ارومیه گفت: فتیله اغتشاشات اخیر کشور در مجلس روشن شده است. ما بخوبی می‌دانیم این اغتشاشات از تامه آن نمایندگان مجلس سرچشمه می‌گیرد که از آمریکا پیروی می‌کنند. وقتی به آنها گفته می‌شود چرا این نامه را نوشتید می‌گویند ما وکیل این ملت هستیم. ولی غافل از اینکه ملت این نماینده‌ها را طرد کرده و می‌گویند ما غلط کردیم که شما را رای دادیم. شما می‌خواهید در این بحبوحه حساس و بحرانی به رهبر معظم انقلاب جام زهر بنوشانید. ملت شما را قبول ندارد و آن یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان پولی که هر ماه از بیت‌المال می‌گیرید، همه‌اش حرام است. ای نماینده بی‌عرضه، هفته پیش من به لب مرز در پیرانشهر رفته بودم که اگر آمریکایی‌ها وارد کشور ما شده باشند، مغزشان را داغان کنم. حالا تو می‌خواهی در مجلس به رغم نظر رهبر از آمریکا حمایت کنی. ما این اغتشاشگران را دستگیر می‌کنیم، بدانید که شما را هم دستگیر خواهیم کرد. قبل از آنکه ما وارد عمل شویم، عاقلانه فکر کنید و توبه کنید وگرنه وقتی رهبری اراده فرمودند که مردم به خیابان‌ها بریزند آن‌وقت قدرت رهبر را خواهید دید. به رهبر نامه بنویسید که اشتباه کرده‌ایم. غلط کرده‌ایم. این اعتراض‌ها و اغتشاشات مسلما در پرونده شما دانشجویان که فردا می‌خواهید مسئولیتی داشته باشید، ثبت خواهد شد.

حسنی خطاب به نیروهای انتظامی و دادگستری افزود: خاموشی کافی است یا جلو این مانتوهای بالای زانو را بگیرید یا به این پیرمرد ۹۶ سال (خود امام جمعه) اجازه بدهید در عرض ده روز تمام این مانتوهای بالای زانو را جمع آوری کنم. قضات دادگستری نباید فقط در دفتر خود بنشینند، تعدادی قاضی به همراه نیروی انتظامی در داخل شهر بگردند هرکجا از این مانتوها دیدند بلافاصله حکم صادر کنند.

حسنی افزود: اگر به آن خانم‌هایی که مانتوی بالای زانو می‌پوشند ۱۵ ضربه شلاق در خیابان بزنند دیگر نه از این مانتوها خبری خواهد بود و نه از آن پسران هیپی که خود را شکل زنها در می‌آورند.

سالانه ۱۸ هزار زن افغان بر اثراختلالات خونریزی در افغانستان جان می‌سپارند

سخنگوی دفتر نمایندگی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) اعلام کرد: سالانه حدود ۱۸ هزار تن از زنان افغانستان به علت اختلالات خونریزی دوران بارداری و پس از زایمان در این کشور جان خود را از دست می دهند.

به گزارش ایرنا «چلهو هیون» روز پنجشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت: تحقیقات و آزمایش‌های به عمل آمده از سوی سازمان بهداشت جهانی و وزارت صحت عامه (بهداشت عمومی) افغانستان نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد اختلالات خونریزی در زنان این کشور مربوط به دوران بارداری و پس از زایمان است. وی همچنین در این نشست خبری در باره تعداد مبتلایان به بیماری ایدز در افغانستان گفت: تحقیقات و آزمایش‌های به عمل آمده از سوی سازمان جهانی بهداشت و وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که تاکنون هفت نفر از مبتلایان به این بیماری در این کشور شناسایی شده‌اند.

هیون افزود غیر از این تعداد تاکنون گزارش دیگری در این زمینه دریافت نشده است. وی گفت:گرچه آمار دقیقی در زمینه شیوع این بیماری در افغانستان وجود ندارد، اما تحقیقات پزشکی انجام شده نشان می‌دهد که شیوع ایدز در افغانستان در سطح بسیار پائینی قرار دارد.

از آن روزهای حماسه و شور

ادامه از صفحه ۶

جنایات فجیعی در دانشگاه اهواز و بعد در سطح شهر به وقوع پیوست. جنتی امام جمعه شهر، نماز جماعتی را در استادیوم تختی که در نزدیکی دانشگاه واقع است سازمان داد و آن‌ها را برای حمله به دانشگاه تحریک نمود. در آن جا شایع کرده بودند که پاسداری توسط دانشجویان به قتل رسیده است. اوباش حزب‌الله و امت تحریک‌شده وحشیانه به دانشجویان حمله کرده و چند نفر را که تعدادشان تا به امروز نیز مشخص نشده است کشتند. گفته می‌شد جسد یک دختر دانشجو بعدها از کارون گرفته شد. صدها نفر زخمی گردیدند. جمع زیادی حدود سیصد الی چهار صد نفر از بازداشت‌شدگان را در تالار شهرداری اهواز گنجانده بودند. روز سوم مامورین سپاه از درب ورودی تالار، جمعیت را به رگبار بستند که ۳ نفر از فعالین پیشگام به اسامی علی بدری، ناصر (حاجی) بهرامی و کورش پیروزی درجا جان سپردند. ۲ تن را نیز از میان جمعیت بیرون کشیده و با خود بردند و ۲ روز بعد تیربارانشان کردند. یکی از آن‌ها زنده‌یاد دکتر نریمیسا بود.